

سینمای اصلاح‌طلب یا دیکتاتور پرور

کمتر کسی است که صدای اعتراض احمد نجفی کارگردان و بازیگر سینما و تلویزیون را این روزها ندیده و نشنیده باشد؛ کسی که به زعم خود برای جلوگیری از بی‌عدالتی و تبعیض آشکاری که بر سرسر اکران فیلمش آوردند بارها و بارها راهروها و پله‌های سازمان سینمایی را طی کرد اما در آخر به قول خودش زور حلقه و باند مافیایی سینما به وی چربید و سرمایه‌اش را به باد دادند و حال که کاسه صبر و تحملش سر آمده بودچی‌هایشان را به وسط گود فرستاده‌اند تا انواع و اقسام برچسب‌ها را نتارش کنند.

اما به راستی چه تعدادی از ماها وقتی اندکی از سرمایه‌مان را در روز روشن جلوی چشم‌مانمان به باد بدهند ساکت می‌مانیم و بسیار شکیک و بالبخند از ماجرا عبور می‌کنیم؟ همان‌هایی که امروز انواع و اقسام برچسب‌های پوپولیستی را به نجفی می‌چسبانند تنها کافی است بر فرض مثال بلیت یک دوره از جشنواره فیلم فجر را بهشان ندهند.

چه داد و بی‌دادی که به راه نینداخته و سرر تا ته وزارت ارشاد و نظام را به هم چسباندند؛ان که اینها با هنر مشکل دارند و هنرمند را تکریم نمی‌کنند و از ظلم‌ها و جفاهای حکومت به هنر و هنرمندان چه متونی در فضاهای مجازی و حقیقی که نگارش نکنند درحالی‌که تنها دردشان این است که چرا بلیت رایگان در اختیارشان قرار نگرفته تا بتوانند مثل همیشه به دیگران و اطرافیشان فخر هنری بوندشان را بفروشند که تنها ماهیت هنری بوندشان خلاصه در بلیت و صندلی وی‌ای‌پی‌سالن‌هاست و بدون آنها هیچ ادله‌ای مبنی بر هنرمند بودن نداشته و ندارند اما درحالی‌که یک نفر تمام سرمایه‌اش را برای ساخت یک فیلم گذاشته به‌سادگی تمام و در روز روشن از بین می‌برد و انتظار دارند او بسیار شیک و بالبخند از ماجرا بگذرد؛ فردی که حقش را، سرمایه‌اش را، اعتبار و حیثیتش را مثل آب خوردن به باد دادند و حال منورالفرکها پشت گود نشسته‌اند و انگشت می‌گزند که وای چه رفتار خسونت‌طلبانه و غیرمتمدنانه‌ی.

اما این حلقه سرمایه‌دار دقیقاً چه کسانی هستند و چه می‌کنند با سینمای ایران؟ برای شناختن شان تنها کافی است بدانید به لطف و مین دولت یازدهم و از زمان قدرت مضاعف گرفتن شان محصول و خروجی آنان چنان شد که بیش از ۵۰ درصد فروش فیلم‌های که بارها و بارها دولتمردان بدان افتخار کرده و را با نقطه مثبت کارنامه خود تلقی می‌کنند، متعلق به تنها پنج سالن سینمایی است که مدیریت و سیاستگذاری آنان در دست همین افراد بوده و از قضا این سالن‌ها در بخش‌هایی از مناطق شمالی شهر تهران ساخته و مهیا شده‌اند.

درحالی‌که در دوران قیبل اگرچه فروش فیلم‌ها کمتر از این ایام بود اما در تمامی سینماهای کشور اکران فیلم‌ها متوازن و یکنواخت صورت می‌پذیرفت، به‌عنوان نمونه در زمان اکران فیلم اخراجی‌ها ۲ پر مخاطب‌ترین سینمای ایران، نحوه و نوع اکران به گونه‌ای بود که از شمال کشور تا جنوب کشور در سالن‌های سینمایی بدون هیچ گونه تبعیض و بی‌عدالتی فیلم اکران شد و سینمای ایران برخی روابطشان با شورای صنفی مجوز اکران دریافت نکردند، در تهران نیز وضع به همین منوال بود از شمال شهر تا مرکز و جنوب سالن‌ها به‌صورت متوازن و در شرایط معتدل در حال اکران فیلم‌ها بودند به گونه‌ای که همه مردم ایران رقتن به سالن‌های سینما را در هر نقطه و محدوده داشتند اما این روزها برمخاطب‌ترین فیلم‌ها باید از شورایی مجوز دریافت کنند که اعضای آن خود صاحبان و مدیران برخی سینماها و پردیس‌ها هستند و به تبع در زمان صدور مجوز برخی مالک‌هاز جمله سودآور بودن، از دوستان از شروط اصلی و دیگران بودن و برخی مسائل پشت پرده را به جزئی از شروط اصلی و دیگران بودن دریافت مجوز اکران بدل کرده‌اند و دیگر سینماها و سازندگان آثار را در این باند عضو می‌شوند یا هرگز مجوز اکرانی مثل آن فیلم‌ها برایشان صادر نمی‌شود.
حال تصور کنید هنرمندی تنها با آن‌ان و از نزدیکان اعضای شورای صنفی نباشند بلکه به‌رآنچه این خوردن در اختیار باشد، دقیقاً می‌شود احمد نجفی که در نقطه مقابل و علیه آنان نیز باشد دقیقاً می‌شود احمد نجفی به باد داده و اگر اعتراضی هم داشته باشد، چنان انواع و اقسام برچسب‌ها به او می‌چسبانند که هیچ‌کدام از طیف‌ها و جریان‌ها امکان دفاع از او را نداشته باشند، البته جز این نیز از جریان فعلی حاکم بر سینمای کشور انتظار نیست.

زمانی‌که در اوایم انتخابات دربییشت‌ماه چند تن از سینماگران همسوز در یک جلسه محرمانه سه میزبانی یکی از اعضای برجسته اصلاح‌طلب در شورای شهر تهران دعوت‌شده و با لعل توهین آمیز، تهدید به حذف در صورت همکاری با سایر سیاست‌دازان انتخاباتی می‌شوند، دیگر محرز و معلوم است که بر سر مخالفان‌شان چه قرار است بیاورند. نگاه‌نده معتقد است این جریان به رغم ادعای آزادی و آزادی‌خواهی یکی از دیکتاتوری‌ترین جریان‌های سیاسی است که اگر صدای کوچک‌ترین مخالفتی از فردی در پی‌آید آن را به بدترین و کیفیت‌ترین نوع ممکن خاموش می‌کند.

اما به فضل الهی عمر این‌جریان که در لوای شعارهای آزادی خواهی و اصلاح‌طلبی در حوزه فرهنگ و هنر حاکم شد روز به‌روز فزاینده و دوار و دیر نخواهد بود شاهد دوری آنان از سپهر فرهنگ و هنر و کشور خواهیم بود.



<div><div></div>روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</div>
<div><div><div><div><div><div></div><div>صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز</div></div></div><div><div><div></div><div>مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی</div></div><div><div></div><div>سر‌مدیر: غلامرضا صدیقیان</div></div></div><div><div><div></div><div>آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری</div></div><div><div></div><div>تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴</div></div></div><div><div><div></div><div>سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳</div></div><div><div></div><div>روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴</div></div></div><div><div><div></div><div>توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵</div></div><div><div></div><div>چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان</div></div></div><div><div><div></div><div>www.javanonline.ir</div></div></div></div></div></div>
<div>روزنامه جوان شماره ۵۳۳۲ پنج‌شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۶ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ اذان ظهر: ۱۷:۱۲ غروب آفتاب: ۱۷:۵۹ مغرب: ۱۸:۱۷ شب‌شروع: ۲۲:۳۵ اذان‌صبح‌فردا: ۵:۱۰ طلوع آفتاب‌فردا: ۶:۳۳</div>

مرضیه هاشمی در گفت‌وگو با «جوان»:

«افق نو» چهره واقعی امریکا را به مردم ایران نشان می‌داد



■ **محمدصادق عابدینی**

ششمین کنفرانس بین‌المللی «افق نو» به خاطر عدم حمایت دستگاہ دیپلماسی در زمان مقرر برگزار نمی‌شود؛ موضوعی که مرضیه هاشمی آن را تأسفیکار می‌داند. این مجری تلویزیون به «جوان» می‌گوید: **برگزاری «افق نو» تأثیر بسیار زیادی در نشان دادن چهره واقعی امریکا به مردم ایران داشت.**

کنفرانس افق نو، با ایده نادر طالب‌زاده مستندساز و مجری تلویزیون راه‌اندازی شد. اولین دوره برگزاری آن به سال ۹۱ باز می‌گردد که با دعوت از فیلمسازان مستقل با شمار «راھی» به سوی عدالت پایدار، برگزار شد.

■ **افق نو، امریکا و امریکایی‌ها**

مرضیه هاشمی مجری شبکه پرس تی‌وی که در چند دوره برگزاری کنفرانس افق نو جزو مدیران، برگزارکنندگان و سخنرانان این کنفرانس بوده، در گفت و گو با «جوان» ضمن ابراز تأسفک از عدم حمایت از برگزاری «افق نو»، گفت: این کنفرانس نقش مهمی در معرفی چهره واقعی امریکا داشت. متأسفانه هنوز در داخل ایران کسانی هستند که دیدگاه مثبتی نسبت به امریکا و سیاست‌های آن دارند و هنوز متوجه واقعیت‌های آن کشور نیستند. افق نو با دعوت از فعالان امریکایی و ایجاد ارتباط چهره به‌چهره میان مردم ایران و کسانی که در امریکازندگی می‌کنند باعث می‌شد تا واقعیت‌های آن کشور را از زبان مردمی از طبقات مختلف تأثیر «افق نو» در بیان سیاست‌های جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی، این کنفرانس باعث می‌شد تا آن چهره‌ای که امریکاسعی دارد از ایران به جهاتیان نشان دهد تحت تأثیر قرار گیرد، البته کسانی که به افق نو دعوت می‌شوند رسانه‌های بازی دارند و بسیاری از آنها در بازگشت از ایران در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های‌شان تبلیغات دروغین دولت امریکا را پرملا کردند.

مجری امریکایی تبار شبکه پرس تی‌وی، در باره ماجرای مهمانان خارجی با مردم ایران نیز گفت: برخی از آنها از دیدن پیشرفته بودن جامعه ایران تعجب می‌کردند، یک نفر از مهمانان که وکیل بود، تصور داشت در ایران همه جا پلیس با اسلحه حضور دارد، اما وقتی اینجا را دید، تعجب کرد. هاشمی ادامه داد: مهمانان خارجی در تجریش مستقر بودند و مگر می‌کردند شاید ما

<div><div></div>حکمت</div>
<div><div><div><div></div><div>حکمت ۲۸۸</div></div></div></div>
<div>هرگاه خاوند بنده‌ای را (به سبب گناهانش) پست بشمرد، علم را از او دریغ می‌دارد.</div>

مرضیه هاشمی در گفت‌وگو با «جوان»:

«افق نو» چهره واقعی امریکا را به مردم ایران نشان می‌داد

۷۰ محقق امریکایی برای شرکت در جشنواره به ایران دعوت شده بودند اما به ناگاه سازمان سینمایی جشنواره را تعطیل کرد و یک فرصت خوب را برای اطلاع‌رسانی از ایران گرفت.»

■ **کشاکش «افق نو» میان بودن یا نبودن**
تأخیر در برگزاری دومین دوره افق نو زمانی رخ داد که قرار بود آن دوره از کنفرانس به بحث ایران‌هراسی بپردازد. دبیر «افق نو» علت این توقف را این‌گونه بیان کرد: «حس‌هایی مبنی بر اینکه افرادی که در این مراسم حضور دارند به طرف‌داری از ایران و انتقاد از امریکا ممکن است تهدیدی علیه ایران محسوب شوند باعث توقف جشنواره شد، ما تاریخ برگزاری جشنواره را از دست دادیم که باید بار دیگر برنامه‌ریزی و زمان آن را مشخص کنیم.» سنگ اندازی‌ها تا حدی پیش رفت که به جای سال ۹۲، افق نو در سال ۹۳ برگزار شد اما برگزاری دومین دوره نشان داد افق نو قرار نیست به این راحتی‌ها میدان را خالی کند. سومین دوره از کنفرانس افق نو در آبان ۹۴، با حضور پر رنگ جنبش سیاهان امریکا و معترضان به نژادپرستی در امریکا برگزار شد. از نکات برجسته آن دوره این بود که کمی بعد از برخورد‌های نژادپرستانه پلیس امریکا با سیاه‌پوستان تظاهرات سراسری در این کشور در محکومیت نژادپرستی دولتی ایالات متحده برگزار شد. دوره‌های چهارم و پنجم این کنفرانس امسال و با فاصله چند ماه از یک‌دیگر برگزار شد و نادر طالب‌زاده در مصاحبه‌ای از برگزاری ششمین دوره این کنفرانس در روزهای ۱۲ تا ۱۴ اسفند خبر داد. دبیر خا‌سه افق نو در اطلاعاتی‌ای عنوان کرد: طبق هماهنگی‌های انجام شده دیدارخانه کنفرانس با ائتلاف حق بازگشت فلسطینیان مستقر در کورال اسپرینگز، فلوریدا، همزمان با افتتاحیه کنفرانس در تهران در واشنگتن دی‌سی نیز تظاهرات ضداسرائیلی برنامه‌ریزی شده است.

پس از اعلام قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی توسط رئیس‌جمهور امریکا، ترکیه به روال گذشته که از هر چه‌جاها موج‌سوزی و بهره‌برداری سیاسی و بین‌المللی می‌کرد، به سرعت اجلاس سران را در آن کشور برگزار کرد. در راستای بهره‌برداری سیاسی به درخواست سعودی اجلاس اتحادیه عرب در سطح وزرای خارجه برگزار شد، لذا با توجه به اینکه ایران از بدو انقلاب اسلامی از حامیان اصلی مسئله فلسطین و مردم‌رودار روبرویی با این رژیم بوده است، ضرورت داشت ضمن مواضع سیاسی و ابراز مخالفت اندیشمندان بین‌المللی و فعالان سیاسی و رهبران مسیحی، پیوستی و مسلمان را برای مخالفت با این تصمیم در یک نشست علمی و رسانه‌ای گرد هم آورد. روز گذشته خبر برگزار نشدن ششمین دوره کنفرانس افق نو منتشر شد.

در این‌جسرت تأکید شده بود: «با وجود برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای برگزاری ششمین دوره کنفرانس افق نو در اسفند ۹۶، ناهادهایی که مسئولیت پشتیبانی از برگزاری این کنفرانس و دعوت از حدود ۴۰ اندیشمند بین‌المللی را بر عهده داشتند، از اجرای وظایف ابتدی‌های جشنواره خود خالی شدند تا این برنامه نتوانند در زمان مقرر برگزار شود.»

■ **محمد محمدی**

در سال پایانی مجلس اصلاح‌طلب ششم، اعضای فراکسیون اکثریت که بنا به شرایط و رخداد‌های آن سال‌ها عدم تأیید صلاحیتشان در دوره بعدی مجلس مطلع و مطمئن بودند، تصمیم گرفتند با استفاده از فرصت دسترسی خود به اسناد و مدارک محرمانه در مجلس، فیلم مستندی را تهیه کنند و به رغم حضور بهروز افخمی یکی از فیلمسازان بنام و مطرح در کسوت نمایندگی مردم تهران در مجلس ششم، منیژه حکمت را به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان تعیین و معرفی کردند؛ تصمیمی که در همان ابتدای کار بسیاری از مراکز رسمی نظام به حل اختلاف داشتند و محرمانه در اختیار کارگردان مخالفت کردند و نسبت به فرد انتخابی برای کارگردانی فیلم اعتراض داشتند، اما پافشاری اعضای فراکسیون مبنی برساخت چنین فیلمی این هم با حضور همسان خانم کارگردان در نوع خود سوالات و ابهامات جدی و مهمی را برای تمامی دنبال‌کنندگان و مخاطبان حوزه سیاست و فرهنگ به همراه داشت ولی همان طرز مورد اشاره سعی در حل اختلاف و مکتب‌طلبی و مکتب‌متعدد و با عدول از تصمیم خود با کلیت ساخت فیلم موافقت کردند، حتی برای تسهیل در روند ساخت فیلم و به علت مسائل خاص و ویژه در این پروژه هر قسمی از هنرمندان مستندساز حرف‌های متعهد و مسود و ثوق را نیز به فراکسیون معرفی

کردند، اما نمایندگان بر ساخت فیلم به کارگردانی همان خانم پافشاری کردند تا جایی که تلویحا برخی از آنان اعلام کردند یا فرد موردنظرشان فیلم را می‌سازد یا مجدد دست به تحصّن و از این قسم رفتارهای ساختارشکن که در مجلس ششم بسیار رایج بود، می‌زنند!

اما در نهایت این اختلاف به رغم کوتاه آمدن مراکز مربوطه تا جایی لاینحل شد که تیم حفاظت مجلس از تردد خانم کارگردان در بخش‌های مرتبط با اسناد و مدارک مهم و سری ممانعت به عمل آورد، ولی

حکایت «حکمت» و یک اقدام وطن‌فروشانه



همچنان اعضای فراکسیون اکثریت مجلس ششم بر حضور ایشان پافشاری عجیب و نامتعارفی می‌کردند؛ روندی که بعد از برگزاری انتخابات مجلس هفتم تا اولین روز کاری نمایندگان آن دوره چراغ خاموش و البته با تعجیل و تسریع بسیار صورت پذیرفت.

چندی بعد و پس از به دست گرفتن امور توسط نمایندگان مجلس هفتم، دستسور توقف تولید و ساخت مستند صادر شد اما در بررسی‌های صورت گرفته توسط نمایندگان مجلس همتم مشخص می‌شود که در همان ایام بخش اعظم و مهمی از فیلم



مهدی حیدریان سیستم به ارث رسیده از دوره ایوبی را صرفاً کنترل می‌کند

پس نگاه سیستمی‌تان کجا رفت؟

■ **جواد محرمی**

محمد مهدی حیدریان که طی روزهای آغازین مدیریتش بر سازمان سینمایی از نگاه سیستمی سخن گفته بود، الان پس از گذشت یک سال از مدیریتش حتی مدیران زمان ایوبی را نیز حفظ کرده است.

حیدریان نشان داده بیش از آنکه در بی‌تغییر و رشد سینمای ایران باشد در حال کنترل سینماتس. مدیریت کنترلی نازل‌ترین نوع مدیریت به حساب می‌آید که طبق آن مدیر مربوطه بیش از هر چیز تمرکز و اراده‌اش را صرف حفظ میز و مقام می‌کند. در چنین حالتی اساساً رشد سیستم و تغیر به نفع وضعیت مطلوب محلی از اعراب ندارد ای دست کم اولویت محسوب نمی‌شود. برای همین هم است که یک سال کاری برای مهدی حیدریان آنقدر زیاد نیست که بخواهد مدیرانن را جابه‌جا کند.

حالا به جرئت می‌توان گفت حیدریان نه تنها نگاه سیستمی نیست بلکه به نظر می‌رسد او اصلاً نگاه ندارد که بخواهد سیستمی یا غیرسیستمی باشد، یعنی برخلاف سلفش حجت‌الله ایوبی که سخنان و اقداماتش بوی سینمای فرانسه می‌داد از حرف‌ها و رویکردهای حیدریان تقریباً هیچ بویی به مشام نمی‌رسد، البته این با شخصیت و کاراکتر حیدریان همخوانی دارد. او را همواره و از دهه ۶۰ به عنوان مدیری محافظه‌کار می‌شناختند و هیچ‌گاه از او سیاستگذاری‌های فعالانه مشاهده نشده است. درباره آنقدر کم و مهندسی‌شده سخن می‌گوید که سخت می‌توان فهمید قرار است چه بر سر سینمای ایران بیاورد، البته مدیریت ساکت و آرام می‌تواند یک حسن محسوب شود اما اگر قرار باشد تغییر محسوس و قابل ملاحظه‌ای به سمت از نقای شاخص‌های سینمای مشاهده شود، چنین وضعیتی قطعاً آرامش پیش از طوفان خواهد بود. سینما احتیاج به فکر، ایده و راهکار برای مدیریت دارد آن هم در کشوری چون ایران که با انواع چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، سینمایی و بین‌الملل روبرو است و به عنوان کشوری انقلابی قرار نیست در دل نظام جهانی هضم شود. متأسفانه نوع مدیریت حیدریان منجر به هضم سینمای ایران در نظام جهانی می‌شود. این هضم شدگی چیزی است که در برخی بخش‌ها تا حدودی رقم خورده و قابل

فاطمه معتمدآریا در حاشیه جشنواره دانش آموزی فیلم دفاع مقدس مطرح کرد

از آرزوهای بزرگ زندگی‌ام بازی در نقش «فرنگیس» است

ایفای نقش فرنگیس است. راوی این کتاب، سسر کار خانم فرنگیس حیدرپور از اهالی روستای گورسفید کیلانغرب است که هنگام شروع جنگ تحمیلی و تصرف این منطقه توسط ارتش بعث به عنوان یک دختر بومی کرد پس از شهادت پدر و برادرش با تیر به مقابله با متجاوزان برخاست و هم‌اکنون این خاطرات شگفت‌انگیز حضور زان کشور در عرصه دفاع مقدس در کتاب «فرنگیس» به



کوشش سسر کار خانم مهناز فتاحی به چاپ رسیده است. از دیگر نکات جالب معرفی این زن قهرمان به نوجوانان شرکت‌کننده کرد کرمانشاهی به صورت عینی با هم‌راهی و صحبت‌های ساده و بی‌تکلف خود فرنگیس حیدرپور در این جشن‌ها بود.

■ ■ ■

بنیاد کوین اسپسی در بریتانیا تعطیل شد

شده آمده است: بنیاد دیگر در بریتانیا فعال نخواهد بود و از ۲۸ فور به کار خود خاتمه می‌دهد. این بنیاد در ضمن از همه همکاران و سازمان‌های همراه تشکر و ابراز امیدواری کرده است که موضوع‌های مربوط به فعالیت‌های خیریه به این بنیاد بتواند در سازمان‌های دیگری پی گرفته شود. در این زمینه استیون جکسون -وینتر آموزگار درام و دستیار اسپسی در سالیان دراز که ریاست این بنیاد را در بریتانیا برعهده داشت در دسترس نبود تا بتواند توضیح بیشتری در این زمینه ارائه کند.

بنیاد کوین اسپسیسی که برای تشویق جوانان به هنرهای نمایشی فعالیت می‌کرد از روز گذشته کارش را در بریتانیا متوقف کرد. وراثتی در اینباره گزارش داد: به دنبال مسائلی که درباره رفتار کوین اسپسی در بحث سو-استفاده جنسی مطرح شد، فعالیت رسانه‌های اجتماعی بنیاد این بازیگر به شدت کاهش یافت و این سایت اکنون تأیید کرده که بنیاد کوین اسپسی از چهارشنبه به کارش خاتمه می‌دهد. در بیانیه‌ای که در این سایت منتشر